

## تواتر حدیث غدیر از دیدگاه دانشمندان اهل سنت

حدیث غدیر ، برترین دلیل شیعه بر ولایت امیر مؤمنان علیه السلام است که با سندهای صحیح و به صورت متواتر از طریق شیعه و سنی نقل شده است ؛ اما در عین حال برخی از علمای اهل سنت که اعتراف به چنین مطلبی برایشان ناگوار و پذیرش چنین حقیقتی سخت بوده ، چشمان خود را بسته و صحت آن را زیر سؤال برده‌اند !

از جمله ابن حزم اندلسی ظاهری که با دفاع از ابن ملجم مرادی ، عداوت خود با امیر مؤمنان علیه السلام را علنی کرده است ، در کتاب الفصل خود می‌نویسد :

وأما من كنت مولاة فعلى مولاة فلا يصح من طريق الثقات أصلاً .

حدیث: من كنت مولاة... به هیچ وجه از طریق افراد ثقه تأیید نشده است.

ابن حزم اندلسی ، علی بن أحمد بن سعید بن حزم الطاهری أبو محمد (متوفای 548 هـ) ، الفصل فی الملل والأهواء والنحل ، ج 4 ، ص 116 ، ناشر: مکتبة الخانجي - القاهرة .

و ابن تیمیه حرانی (متوفای 728 هـ) نیز که در انکار فضائل اهل بیت علیهم السلام زبانزد عام و خاص است در منهاج السنة می‌نویسد :

وأما قوله من كنت مولاة فعلى مولاة فليس هو في الصحاح لكن هو مما رواه العلماء وتنازع الناس في صحته فنقل عن البخاري وإبراهيم الحربي وطائفة من أهل العلم بالحديث انهم طعنوا فيه وضعفه ... .

حدیث: من كنت مولاة... در کتب روایی صحیح شش گانه آورده نشده است ، بعضی از

دانشمندان آن را روایت کرده‌اند ؛ ولی در صحت آن دچار اختلاف شده‌اند ، از بخاری و ابراهیم حربی و گروهی دیگر از اهل دانش نقل شده است که آنان این حدیث را تضعیف کرده‌اند .

ابن تیمیه الحرانی ، أبو العباس أحمد بن عبد الحليم ، منهاج السنة النبوية ، ج 7 ، ص 319 ، تحقیق : د. محمد رشاد سالم ، ناشر: مؤسسة قرطبة ، الطبعة الأولى ، 1406 .

و سعد الدین تفتازانی (متوفای 791 هـ) در جواب از حدیث غدیر می‌نویسد :

والجواب منع تواتر الخبر فإن ذلك من مكابرات الشيعة كيف وقد قدح في صحته كثير من أهل الحديث ولم ينقله المحققون منهم كالبخاري ومسلم والواقدي .

جواب ما این است که حدیث غدیر متواتر نیست و این از زورگویی‌های شیعه است ، ؛ زیرا

بسیاری از علما و محققین علم حدیث ؛ از جمله بخاری ، مسلم و واقدی در صحتش اشکال کرده و آن را نقل ننموده‌اند .

التفتازاني ، سعد الدين مسعود بن عمر بن عبد الله ، شرح المقاصد في علم الكلام ، ج 2 ، ص 290 ، ناشر: دار المعارف النعمانية - باكستان ، الطبعة: الأولى ، 1401 هـ - 1981 م .

## نقد و بررسی :

برای روشن شدن حقیقت مطلب و نیز برای سنجش ارزش سخن ابن حزم ، ابن تیمیه و تفتازانی کافی است که به اعترافات علما و دانشمندان نام آور اهل سنت که در علم حدیث و رجال خبره فن هستند ، در باره حدیث غدیر اشاره شود . طبیعی است که با اثبات صحت و یا تواتر حدیث غدیر و ورود آن در صحاح سته اهل سنت ، میزان تقوی و انصاف این دو دانشمند سنی برای همگان روشن خواهد شد .

ما در ابتدا تواتر حدیث غدیر را از زبان بزرگان سنی نقل و سپس تعدادی از اسناد آن را که علمای رجال سنی به صحت آن‌ها اعتراف کرده‌اند ، خواهیم آورد .

### اعترافات علمای اهل سنت بر تواتر حدیث غدیر :

حدیث غدیر نه تنها سندش صحیح است ؛ بلکه بسیاری از بزرگان اهل سنت تواتر آن را پذیرفته‌اند که ما به نام چند تن از آنان اشاره می‌کنیم :

#### 1 . شمس الدین ذهبی (متوفای 748هـ) :

ذهبی ، دانشمند شهیر سنی و از ارکان علم رجال اهل سنت که او را پیشوای جرح و تعدیل نامیده‌اند ، در موارد مختلف به تواتر حدیث غدیر اعتراف کرده است . وی در سیر اعلام النبلا که از معتبرترین کتاب‌های اهل سنت در علم رجال است ، در ترجمه محمد بن جریر طبری ، صاحب تفسیر و تاریخ می‌نویسد :

قلت: جمع طرق حدیث غدیر خم فی أربعة أجزاء رأیت **شطره فیه رنی سعة روایاته وجزمت**

**بوقوع ذلك .**

محمد بن جریر طبری اسناد روایت غدیر خم را در چهار جلد جمع آوری کرده است که من قسمتی از آن را دیدم و از گستردگی روایات آن شگفت زده شدم و یقین کردم که این اتفاق افتاده است .

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز ، *سیر اعلام النبلاء* ، ج 14 ، ص 277 ، تحقیق : شعیب الأرناؤوط و محمد نعیم العرقسوسی ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بیروت ، الطبعة التاسعة ، 1413 هـ .

و در تذکرة الحفاظ و بازهم در ترجمه محمد بن جریر طبری می‌نویسد :

محمد بن جریر بن یزید بن کثیر الامام العلم الفرد الحافظ أبو جعفر الطبری أحد الأعلام وصاحب التصانیف من أهل أمل طبرستان أكثر التطواف ... ولما بلغه ان بن أبي داود تكلم في حدیث غدیر خم عمل كتاب الفضائل وتكلم على تصحيح الحديث .

قلت رأیت مجلدا من طرق الحديث لابن جریر **فاندهشت له ولكثرة تلك الطرق .**

من يك جلد از کتاب اسناد حدیث غدیر را که ابن جریر نوشته بود را دیدم و از زیاد بودن اسناد آن گیج و مبهور شدم .

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز ، تذکرة الحفاظ ج 2 ، ص 710 ، رقم : 728 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بیروت ، الأولى .

ابن کثیر دمشقی سلفی (متوفای 774هـ) که از شاگردان ذهبی به شمار می‌رود ، به نقل از استادش می‌نویسد :

قال : **وَصَدْرُ الْحَدِيثِ مُتَوَاتِرٌ** أتيقن أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قاله ، وأما : «اللهم وال من والاه» فزيادة قوية الاسناد .

ذهبی گفت : این حدیث به صورت متواتر نقل شده است و من یقین کردم که از رسول خدا صلی الله علیه وآله صادر شده است، اما جمله: «اللهم وال من والاه» نیز سندش قوی است .

ابن کثیر دمشقی ، أبو الفداء إسماعیل بن عمر القرشي ، السيرة النبوية ، ج 4 ، ص 426 و البداية والنهاية ، ج 5 ، ص 214 ، ناشر : مكتبة المعارف - بيروت .

و شهاب الدین آلوسی (متوفای 1270هـ) صاحب روح المعانی که جایگاه ویژه‌ای در نزد وهابی‌ها دارد ، در تفسیرش می‌نویسد :

وعن الذهبي أن «من كنت مولاة فعلى مولاة» متواتر يتقين أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قاله وأما اللهم وال من والاه فزيادة قوية الاسناد .

حدیث : «من كنت مولاة فعلى مولاة» متواتر است و به یقین سخن رسول خدا است ؛ اما ادامه آن که رسول خدا فرمود : خدایا دوست بدار هر که علی را دوست دارد ، نیز سندش قوی است

....

الألوسي البغدادي ، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود ، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، ج 6 ، ص 195 ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت .

### ترجمه ذهبی :

ابن ناصر الدین از مشاهیر قرن نهم ، (متوفای 842 هـ) در باره شخصیت ذهبی می‌گوید :

الشيخ **الامام الحافظ** الهمام مفيد الشام ومؤرخ الاسلام **ناقد المحدثين وإمام المعدلين** **والمجرحين** شمس الدين ... الدمشقي ابن الذهبي الشافعي .

امام ، حافظ (کسی که بیش از صد هزار حدیث حفظ باشد) مؤرخ و اسلام شناس ، منتقد بر اهل حدیث ، پیشوا در جرح و تعدیل راویان و مؤلفان ، شمس الدین ذهبی.

إبن ناصر الدين الدمشقي ، محمد بن أبي بكر ، الرد الوافر ، ناشر : المكتب الإسلامي - بيروت - 1393 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : زهير الشاويش .

و در جای دیگری از همین کتابش می‌گوید :

وكان آية في نقد الرجال عمدة في الجرح والتعديل عالما بالتفريع والتأصيل إماما في القراءات فقيها في النظريات له دربة بمذاهب الأئمة وأربابا المقالات قائما بين الخلف بنشر السنة ومذهب السلف .

در نقد رجال حدیث یگانه بود و در جرح و تعدیل راویان حدیث استاد و در استفاده فروع از اصول دانشمند و در دانش قرائت‌های قرآن پیشوا و در آراء و انظار فقیه بود . راه ورود به مذاهب چهار گانه و پیشوای همه اندیشه‌ها بود، يك تنه در میان معاصرانش به نشر و تبلیغ سنت و مذهب سلفی گری همت گمارد .

الرد الوافر ، ج 1 ، ص 31 .

و ابن حجر عسقلاني (متوفای 852هـ) در الدرر الكامنة می‌نویسد :

قرأت بخط البدر النابلسي في مشيخته كان علامة زمانه في الرجال وأحوالهم حديد الفهم ثاقب الذهن وشهرته تغني عن الإطناب فيه .

من نوشته‌های بدر نابلسی را که در شرح حال اساتیدش آورده است خواندن که در باره ذهبی گفته بود : وی در دانش رجال و حالات راویان و نویسندگان دانش فراوان داشت ، تیز فهم و ذهنی قوی داشت ، شهرت و آوازه او ما را از توصیف بیشتر بی نیاز می کند .

ابن حجر عسقلانی ، الحافظ شهاب الدین ابی الفضل أحمد بن علی بن محمد ، الدرر الكامنة فی أعيان المائة الثامنة ، ج 5 ، ص 68 ، تحقیق : مراقبة / محمد عبد المعید ضان ، ناشر : مجلس دائرة المعارف العثمانية - صیدر اباد/ الهند ، الطبعة الثانية ، 1392هـ / 1972م .

و جلال الدین سیوطی (متوفای 911هـ) در باره او می نویسد :

الذهبي الإمام الحافظ محدث العصر وخاتمة الحفاظ ومؤرخ الإسلام وفرد الدهر والقائم بأعباء

هذه الصناعة شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان قايماز الركمانی ثم الدمشقي .

ذهبی امام و حافظ ، حدیث گوی زمان و آخرین نفر از حافظان ، مورخ اسلام و یگانه زمان و ...

بود .

جلال الدین سیوطی ، عبد الرحمن بن ابی بکر ، طبقات الحفاظ ، ج 1 ، ص 521 ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، الطبعة الأولى ، 1403 هـ .

## 2 . ابن حجر عسقلانی (متوفای 852 هـ) :

ابن حجر از دانشمندان معروف سنی که به همراه ذهبی یکی از دو رکن اساسی علم رجال اهل سنت به حساب می آید ، در شرح صحیح بخاری ، بسیاری از سندهای حدیث غدیر را صحیح و حسن می داند :

واما حدیث «من كنت مولاة فعلي مولاة» فقد أخرجه الترمذي والنسائي وهو كثير الطرق جداً وقد استوعبها بن عقدة في كتاب مفرد وكثير من اسانيدھا صحاح وحسان .

حدیث : «من كنت مولاة فعلي مولاة» را ، ترمذی و نسائی با سند صحیح نقل کرده اند ،

سندهای بسیاری دارد ، که همه آنها را ابن عقده در کتاب مستقلی جمع آوری کرده است و بسیاری از اسناد آن صحیح و یا حسن هستند .

ابن حجر عسقلانی ، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل الشافعي ، فتح الباري شرح صحیح البخاری ، ج 7 ، ص 74 ، تحقیق : محب الدین الخطیب ، ناشر : دار المعرفة - بیروت .

و در تهذیب / التهذیب که یکی از کتابهای معتبر رجالی اهل سنت به حساب می آید ، می گوید که بیش از هفتاد صحابی روایت غدیر را نقل کرده اند :

وقد جمعه بن جرير الطبري في مؤلف فيه أضعاف من ذكر وصحه واعتنى بجمع طرقه أبو

العباس بن عقدة فأخرجه من حدیث سبعین صحابيا أو أكثر .

ابن جریر حدیث غدیر را از طرق گوناگون در کتاب مستقلی ، با تصحیح آن جمع آوری کرده

است ، و کسی که به اسناد آن توجه خاص کرده است ، ابن عقده است ، وی این حدیث را از زبان بیش از هفتاد صحابی نقل کرده است .

ابن حجر عسقلانی ، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل الشافعي ، تهذیب / التهذیب ، ج 7 ، ص 297 ، ناشر : دار الفكر - بیروت ، الطبعة الأولى ، 1404 - 1984 .

ترجمه ابن حجر عسقلانی :

هاشمي مكى ، از مشاهير قرن نهم هجري و از هم‌دوره‌هاي ابن حجر ، او را اين‌گونه

مي‌ستايد :

أحمد بن علي بن محمد بن محمد بن علي بن محمود بن أحمد بن أحمد بن العسقلاني  
المصري الشافعي الإمام العلامة الحافظ فريد الوقت مفخر الزمان بقية الحفاظ علم الأئمة الأعلام عمدة  
المحققين خاتمة الحفاظ المبرزين والقضاة المشهورين أبو الفضل شهاب الدين ...  
ابن حجر عسقلاني مصري شافعي مذهب ، پيشواي دانشمند ، حافظ (صد هزار حديث) ،  
يگانه روزگار ، افتخار زمان ، باقي مانده از حافظان حديث ، سرآمد پيشوايان بزرگ ، محقق عمده ، پايان  
بخش حافظان ، قاضي مشهور ...

الهاشمي المكى ، الحافظ أبو الفضل تقي الدين محمد بن محمد بن محمد بن فهد (متوفاي 871هـ) ، لفظ الألفاظ بذيل طبقات  
الحفاظ ، ج 1 ، ص 326 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت .

### 3 . ابن حجر الهيتمي (متوفاي 974هـ) :

ابن حجر هيتمي در كتاب *الصواعق المحرقة* كه آن را عليه مذهب شيعة نگاشته است به  
كثرت اسناد حديث غدير اعتراف کرده و مي‌گويد :

أنه حديث صحيح لا مرية فيه وقد أخرجه جماعة كالترمذي والنسائي وأحمد وطرقه كثيرة جدا  
ومن ثم رواه ستة عشر صحابيا وفي رواية لأحمد أنه سمعه من النبي صلى الله عليه وسلم ثلاثون  
صحابيا وشهدوا به لعلي لما نوزع أيام خلافته كما مر وسيأتي وكثير من أسانيدھا صحاح وحسان ولا  
التفات لمن قدح في صحته .

در صحت حديث غدير شكی نیست ؛ زیرا گروهی مانند : ترمذي ، نسائي و احمد آن را با سند  
نقل کرده اند ، اسناد اين حديث فراوان است و شانزده تن از اصحاب آن را روايت کرده اند ، و در نقلي  
كه احمد دارد مي گويد : سي نفر از اصحاب در زمان خلافت علي عليه السلام وقتي كه علي از آنان  
در خواست گواهي بر شنيدن اين حديث از رسول خدا صلي الله عليه وآله نمود ، شهادت دادند كه آن  
را از پيامبر شنیده‌اند .

بيشتر سندهاي اين حديث صحيح و حسن است و سخن كسي كه بر سند آن بخواهد ايراد  
مي‌گيرد ، ارزش توجه ندارد .

ابن حجر الهيتمي ، أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ، *الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة* ، ج  
1 ، ص 106-107 ، تحقيق : عبد الرحمن بن عبد الله التركي و كامل محمد الخراط ، ناشر : مؤسسة الرسالة - لبنان ، الطبعة  
الأولى ، 1417هـ - 1997م .

### ترجمه ابن حجر هيتمي :

عبد القادر العيدروسي (متوفاي 1037 هـ) در باره او مي‌گويد :

وفيها [سنة أربع وسبعين بعد التسعمائة] في رجب توفي الشيخ الإمام شيخ الإسلام خاتمة  
أهل الفتيا والتدريس ناشر علوم الامام محمد بن إدريس الحافظ شهاب الدين أبو العباس أحمد بن  
محمد بن علي بن حجر الهيتمي السعدي الأنصاري بمكة ودفن بالمعلاة في تربة الطبريين وكان بحرا  
في علم الفقه وتحقيقه لا تكدره الدلاء وإمام الحرمين كما أجمع على ذلك العارفون وانعقدت عليه  
خصائص الملاء إمام اقتدت به الأئمة وهمام صار في إقليم الحجاز أمة مصنفاته في العصر آية يعجز عن  
الإتيان بمثلها المعاصرون ...

واحد العصر وثاني القطر وثالث الشمس والبدر من أقسمت المشكلات أن لا تتضح إلا لديه  
وأكدت المعضلات آيتها أن لا تتجلى إلا عليه لا سيما وفي الحجاز عليها قد حجر ولا عجب فإنه  
المسمى بابن حجر .

ابن حجر هيثمى دريائي از دانش فقه و تحقيق ، امام مدينه و مكه بود كه همه پيشوايان به  
وي اقتدا مي كردند ، در سرزمين حجاز از جهت آثار نمونه‌اي بود كه مثل و مانند نداشت ... .  
العيدروسي ، عبد القادر بن شيخ بن عبد الله ، تاريخ النور السافر عن أخبار القرن العاشر ، ج 1 ، ص 258 ، ناشر :  
دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة الأولى ، 1405 .

#### 4 . جلال الدين سيوطي (متوفاي 911هـ) :

جلال الدين سيوطي ، مفسر ، اديب و محدث مشهور اهل سنت ، از كساني است كه حديث  
غدير را از احاديث متواتر مي‌داند . البته ما در كتاب‌هايي كه از وي در اختيار داريم ، چنين مطلبي را  
نيافتيم ؛ ولي دو تن از بزرگان اهل سنت ، اين مطلب را از زبان وي نقل کرده‌اند كه همين براي ما  
كفايت مي‌كند .

حافظ عبد الرؤوف مناوي در شرح جامع الصغير سيوطي مي‌نويسد :

( من كنت مولاه ) أي وليه وناصره ( فعلى مولاه ) ولاء الاسلام وسببه ان أسامة قال لعلي  
لست مولاي انما مولاي رسول الله فذكره ( حمه عن البراء ) بن عازب ( حم عن بريدة ) بن الحبيب  
ت ن والضياء عن زيد بن أرقم ) ورجال أحمد ثقات بل قال المؤلف حديث متواتر .

راويان اين حديث مورد اعتماد هستند ؛ بلکه مؤلف (سيوطي) گفته است كه اين حديث متواتر  
است .

المناوي ، الإمام الحافظ زين الدين عبد الرؤوف ، التيسير بشرح الجامع الصغير ، ج 2 ص 442 ، (متوفاي 1031هـ) ،  
ناشر : مكتبة الإمام الشافعي - الرياض ، الطبعة : الثالثة ، 1408هـ - 1988م .

و در فيض القدير كه اين كتاب نيز در شرح جامع الصغير سيوطي است ، مي‌نويسد :

قال الهيثمي رجال أحمد ثقات وقال في موضع آخر رجاله رجال الصحيح وقال المصنف حديث

متواتر

هيثمى گفته است كه راويان مسند احمد مورد اعتماد هستند و در جاي ديگر گفته كه روايان

آن روايان صحيح بخاري هستند و مصنف (سيوطي) گفته است كه حديث غدير متواتر است .

المناوي ، الإمام الحافظ زين الدين عبد الرؤوف ، فيض القدير شرح الجامع الصغير ، ج 6 ص 218 ، ناشر : المكتبة  
التجارية الكبرى - مصر ، الطبعة : الأولى ، 1356هـ .

و ابراهيم بن محمد حسيني (متوفاي 1120 هـ) از علمای سني مذهب قرن دوازدهم نيز اين

مطلب را تأييد مي‌كند :

من كنت مولاه فعلي مولاه

أخرجه الإمام أحمد ومسلم عن البراء بن عازب رضي الله عنه وأخرجه أحمد أيضا عن بريدة بن  
الحبيب رضي الله عنه وأخرجه الترمذي والنسائي والضياء المقدسي عن زيد بن رقم رضي الله عنه  
قال الهيثمي رجال أحمد ثقات وقال في موضع آخر رجاله رجال الصحيح .

وقال السيوطي حديث متواتر . سببه أن أسامة قال لعلي لست مولاي إنما مولاي رسول الله

(ص) فقال النبي (ص) : «من كنت مولاه فعلي مولاه» .

این حدیث را امام احمد و مسلم از براء بن عازم نقل کرده اند و احمد مجدداً آن را از بریده بن حصیب و ترمذی و نسائی و ضیاء مقدسی از زید بن ارقم آن را نقل کرده اند، هیثمی می گوید: رجال سند احمد همه ثقة هستند و در مورد دیگری گفته است راویان آن راویان صحیح بخاری هستند . سیوطی می گوید: حدیث غدیر متواتر است.

علت ایراد این حدیث آن است که اسامه به علی گفت : تو مولای من نیستی ؛ بلکه مولای من پیامبر است ، رسول خاد صلی الله علیه وآله پس از شنیدن این سخن فرمود : هر کس من مولای او هستم ، علی نیز مولای او است .

الحسینی ، ابراهیم بن محمد ، *البیان والتعریف فی أسباب ورود الحدیث الشریف* ، ج 2 ، ص 230 ، ح 1577 ، تحقیق : سیف الدین الکاتب ، ناشر : دار الکتاب العربی - بیروت - 1401 هـ .

### ترجمه سیوطی :

نجم الدین العزیز در کتاب *الکواکب السائرة* ، سیوطی را این گونه معرفی می کند :

عبد الرحمن بن ابي بكر الأسيوطي: عبد الرحمن بن ابي بكر بن محمد بن ابي سابق الدين بكر بن عثمان بن محمد بن خضر بن أيوب بن محمد ابن الشيخ همام الدين، الشيخ العلامة، الإمام، المحقق، المدقق، المسند، الحافظ شيخ الإسلام جلال الدين أبو الفضل ابن العلامة كمال الدين الأسيوطي، الخضيرى، الشافعي صاحب المؤلفات الجامعة، والمصنفات النافعة، وألف المؤلفات الحافلة الكثيرة الكاملة الجامعة، النافعة المتقنة، المحررة، المعتمدة نيفت عدتها على خمسمائة مؤلف وكان أعلم أهل زمانه بعلم الحديث وفنونه، ورجاله، وغريبه، واستنباط الأحكام منه، وأخبر عن نفسه أنه يحفظ مئتي ألف حديث. قال: ولو وجدت أكثر لحفظته. قال: ولعله لا يوجد على وجه الأرض الا ان أكثر من ذلك

استاد علامه ، پیشوا ، محقق ، دقیق ، حافظ ( کسی که صد هزار حدیث حفظ است) ، صاحب کتابهای جامع و تألیفات سودمند ، کسی که بیش از پانصد کتاب مفید و ارزشمند نوشته است ، دانا ترین فرد در دانش حدیث و فنون آن ، اهل استنباط احکام و کسی که خودش گفته است : دوپست هزار حدیث را حفظ هستم و اگر بیشتر می یافتم باز هم حفظ می کردم ، که البته شاید اکنون بیش از این حدیث وجود نداشته باشد.

الغزى ، نجم الدین محمد بن محمد ، *الکواکب السائرة بأعیان المئة العاشرة* ، ج 1 ، ص 142 ، (متوفای 1061 هـ) .

### 5 . أبو حامد غزالي (متوفای 505 هـ) :

غزالی ، دانشمند نامور و شهیر قرن ششم که ذهبی از او با عنوان اعجوبه زمان یاد می کند ، در باره حدیث غدیر و پیمانی که خلیفه دوم در آن روز بست و تنها چند روز بعد از غدیر آن را به باد فراموشی سپرد ، می نویسد :

واجمع الجماهير على متن الحديث من خطبته في يوم عيد يزحم باتفاق الجميع وهو يقول : « من كنت مولاه فعلي مولاه » فقال عمر بخ بخ يا أبا الحسن لقد أصبحت مولاي ومولى كل مولى فهذا تسليم ورضى وتحكيم ثم بعد هذا غلب الهوى تحب الرياسة وحمل عمود الخلافة وعقود النبوة وخفقان الهوى في قعقة الرايات واشتباك ازدحام الخيول وفتح الأمصار وسقاهم كأس الهوى فعادوا إلى الخلاف الأول : فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا به ثمناً قليلاً .

از خطبه‌های رسول گرامی اسلام (صلي الله عليه وآله وسلم) خطبه غدیر خم است که همه مسلمانان بر متن آن اتفاق دارند . رسول خدا فرمود : هر کس من مولا و سرپرست او هستم ، علي مولا و سرپرست او است . عمر پس از این فرمایش رسول خدا (صلي الله عليه وآله وسلم) به علي (عليه السلام) این گونه تبریک گفت :

«افتخار ، افتخار اي ابوالحسن ، تو اکنون مولا و رهبر من و هر مولاي ديگري هستي.»

این سخن عمر حکایت از تسلیم او در برابر فرمان پیامبر و امامت و رهبری علي (عليه السلام) و نشانه رضایتش از انتخاب علي (عليه السلام) به رهبری امت دارد ؛ اما پس از گذشت آن روزها ، عمر تحت تأثیر هوای نفس و علاقه به ریاست و رهبری خودش قرار گرفت و استوانه خلافت را از مکان اصلی تغییر داد و با لشکر کشی‌ها ، برافراشتن پرچم‌ها و گشودن سرزمین‌های دیگر ، راه امت را به اختلاف و بازگشت به دوران جاهلی هموار کرد و [مصدق این آیه قرآن شد : ] پس، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن ، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه بد معامله‌ای کردند .

الغزالي ، أبو حامد محمد بن محمد ، سر العالمين وكشف ما في الدارين ، ج 1 ، ص 18 ، باب في ترتيب الخلافة والمملكة ، تحقيق : محمد حسن محمد حسن إسماعيل وأحمد فريد المزدي ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان ، الطبعة : الأولى ، 1424هـ-2003م .

### ترجمه أبو حامد غزالی :

علامه شمس الدین ذهبی در ترجمه او می‌نویسد :

الغزالي الشيخ الإمام البحر حجة الإسلام أعجوبة الزمان زين الدين أبو حامد محمد بن محمد بن محمد بن أحمد الطوسي الشافعي الغزالي صاحب التصانيف والذكاء المفرد ... ثم بعد سنوات سار إلى وطنه لازماً لسننه حافظاً لوقته مكباً على العلم غزالي استاد پیشوا و دریای علم ، نشانه اسلام ، اعجوبه زمان ، صاحب کتاب‌ها و انسانی با هوش فراوان و زیرک... بود . پس از سال‌ها به زادگاهش بازگشت و به استفاده از وقت ، فرصت و علم و دانش روزگار را سپری کرد ... .

سير اعلام النبلاء ، ج 19 ، ص 322 ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، محمد نعيم العرقسوسي ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت ، الطبعة : التاسعة ، 1413هـ .

و در جلد 14 ، ص 202 از همین کتاب با استفاده از حدیث نبوی او را یکی از احیایان دین می‌داند و می‌نویسد :

وقال الحاكم سمعت حسان بن محمد يقول كنا في مجلس ابن سريج سنة ثلاث وثلاث مئة فقام إليه شيخ من أهل العلم فقال أبشر أيها القاضي فإن الله يبعث على رأس كل مئة سنة من يجدد يعني للأمة أمر دينها وإن الله تعالى بعث على رأس المئة عمر بن عبدالعزيز وبعث على رأس المئتين محمد بن إدريس الشافعي ...

قلت وقد كان على رأس الأربع مئة الشيخ أبو حامد الاسفراييني **وعلى رأس الخمس مئة أبو**

**حامد الغزالي** وعلى رأس الست مئة الحافظ عبد الغني ...

حاکم می گوید : از حسان بن محمد شنیدم که می گفت : در سال 303هـ در مجلس ابن سريج بودم ، پیر مردی دانشمند بر خواست و گفت : بشارت ای قاضی ! خداوند در هر صد سال



کسی را می فرستد که احیاگر دین است ، عمر بن عبد العزیز اولین است و در صد سال دوم محمد بن ادریس شافعی است...

من می گویم در صد سال چهارم ابو حامد اسفرائینی است و در صد سال پنجم غزالی و در صد سال ششم حافظ عبد الغنی است ، و...

## 6 . ملا علی قاری (متوفای 1014هـ) :

ملا علی هروی ، معروف به هروی ، صاحب کتاب معتبر مرقاة المفاتیح در باره حدیث غدیر و تواتر آن می گوید :

آن هذا حدیث صحیح لا مرية فيه ، بل بعض الحفاظ عده متواتراً إذ في رواية أحمد أنه سمعه من النبي صلى الله عليه وسلم ثلاثون صحابياً وشهدوا به لعلي لما نوزع أيام خلافته . حدیث غدیر بدون شك صحیح است ؛ بلکه بعضی از حافظان آن را متواتر دانسته اند ؛ چون در نقل احمد آمده است :

این حدیث را در زمان خلافت علی علیه السلام بعد از اختلافی که در باره آن پیش آمد ، سی تن از اصحاب شهادت دادند که آن را از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیده اند.

محمد القاری ، علی بن سلطان ، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح ، ج 11 ، ص 248 ، تحقیق : جمال عیتانی ، ناشر : دار الکتب العلمیة - لبنان / بیروت ، الطبعة الأولى ، 1422هـ - 2001م .

## ترجمه ملا علی قاری :

عاصمی مکی (متوفای 1111هـ) در باره او می نویسد :

الشیخ الملا علی القاری بن سلطان بن محمد الهروی الحنفی الجامع للعلوم العقلیة والنقلیة والمتضلع من السنة النبویة أحد جماهير الأعلام ومشاهير أولى الحفاظ والأفهام ولد بهراة ورحل إلى مكة وتديرها أخذ عن خاتمة المحققين العلامة ابن حجر الهيثمی .

ملا علی قاری حنفی مذهب در علوم عقلی و نقلی جامع بود و سنت نبوی را به درستی می شناخت ، او یکی از دانشمندان بزرگ و نام آوران زمان و دارای قدرت حافظه و صاحب فهم بود .

العاصمی المکی ، عبد الملك بن حسین بن عبد الملك الشافعی ، سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل والتوالی ، ج 4 ، ص 402 ، تحقیق : عادل أحمد عبد الموجود و علي محمد معوض ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت - 1419هـ - 1998م .

## 7 . علامه شمس الدین الجزری الشافعی (متوفای 833هـ) :

شمس الدین جزری که کتاب مستقلی در باره فضائل امیر مؤمنان علیه السلام نوشته ، بعد از نقل حدیث مناشده امیر المؤمنین علیه السلام به حدیث غدیر در رحبه ، می گوید :

هذا حدیث حسن من هذا الوجه ، صحیح من وجوه كثيرة تواتر عن امیر المؤمنین علی ، وهو متواتر ایضاً عن النبي صلى الله وسلم رواه الجم الغفير عن الجم الغفير ، ولا عبرة بمن حاول تضعيفه من لا اطلاع له في هذا العلم .

وی پس از نقل حدیث غدیر می گوید: این حدیث از این جهت حسن و از جهات زیادی صحیح و از جهت امیر المؤمنین علی و رسول خدا متواتر است، گروههای زیادی از گروههای دیگر آن را

روایت کرده اند، سخن کسانی که بدون آگاهی از دانش حدیث آن را ضعیف دانسته اند ارزشی ندارد و نباید به آن اعتنا کرد.

الجزري الشافعي ، أبي الخير شمس الدين محمد بن محمد بن محمد ، أسني المطالب في مناقب سيدنا علي بن أبي طالب كرم الله وجهه ، ص 48 ، تقديم و تحقيق و تعليق الدكتور محمد هادي الأميني ، ناشر : مكتبة الإمام امير المؤمنين (ع) العامة ، اصفهان - ايران

### ترجمه علامه جزری :

محمد بن محمد بن محمد بن محمد الحافظ - الإمام المقرئ شمس الدين ابن الجزري ، ولد ليلة السبت الخامس والعشرين من شهر رمضان سنة 751 بدمشق ، وتفقه بها ، ولهج بطلب الحديث والقراءات ، وبرز في القراءات ، وعمر مدرسة للقراء سماها دار القرآن وأقرأ الناس ، وعين لقضاء الشام مرة ، وكتب توقيعه عماد الدين بن كثير ثم عرض عرض فلم يتم ذلك وقدم القاهرة مرارا ، وكان مثريا وشكلا حسنا وفصيحا بليغا ...

وكان كثير الإحسان لأهل الحجاز ، وأخذ عنه أهل تلك البلاد في القراءات وسمعوا عليه الحديث ... وقد انتهت إليه رئاسة علم القراءات في الممالك ، وكان قديما صنف الحصن الحصين في الأدعية ولهج به أهل اليمن واستكثروا منه ، وسمعوه علي قبل أن يدخل هو إليهم ثم دخل إليهم فأسمعهم ، وحدث بالقاهرة بمسند أحمد ومسند الشافعي وبغير ذلك **وكان يلقب في بلاده الإمام الأعظم** .

جزري شب بیست و پنجم رمضان سال 751هـ در شهر دمشق به دنیا آمد و در همان شهر به دانش اندوزی پرداخت و برای آشنائی با حدیث و قرائت‌های قرآن تلاش کرد و در همین رشته هم موفق شد و مدرسه‌ای به نام دار القرآن تاسیس کرد . به قضاوت از طرف عماد الدین کثیر منصوب شد و لی آن را به پایان نرساند ، چندین بار به قاهره سفر کرد ، وی چهره ای زیبا و جذاب داشت... نسبت به مردم حجاز بسیار نیکو کار بود، از وی دانش قرائات و حدیث را آموختند... در همه کشورها دانش قرائت به او ختم می شد و کتابی در دعا به اسم الحصن الحصین نوشت ، مردم یمن از وی استفاده فروان نمودند ، در قاهره مسند احمد و شافعی را بر مردم می خواند ، به او امام اعظم لقب داده بودند .

ابن حجر عسقلاني ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي ، إنباء العُمر بأبناء العمر في التاريخ ، ج 8 ص 245 ، تحقيق : د.محمد عبد المعيد خان ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان الطبعة : الثانية ، 1406هـ - 1986م .

### 8 . سبط بن جوزي (متوفاي 654هـ) :

سبط بن جوزي ، نوه دختری أبو الفرج بن جوزي ، از بزرگان قرن هفتم اهل سنت در تذكرة الخواص در باره حدیث غدیر می‌گوید :

**اتفق علماء السير على أن قصة الغدير كانت بعد رجوع النبي (ص) من حجة الوداع في الثامن عشر من ذي الحجة جمع الصحابة وكانوا مائة وعشرون ألفاً وقال: (من كنت مولاه فعلي مولاه) الحديث** ، نص (ص) على ذلك بصريح العبارة دون التلويح والإشارة .

دانشمندان متخصص در تاریخ اسلام اتفاق دارند که قصه غدیر بعد از باز گشت رسول خدا صلی الله علیه وآله از حجة الوداع در هیجدهم ذی الحجة اتفاق افتاد ، اصحاب و یارانش را صد و بیست هزار نفر بودند جمع کرد و درس‌خترانی اش فرمود : هر کس من او را مولا و رهبرم ؛ پس علی ، مولا و

رهبر او است ، در این روایت با صراحت نه با کنایه و اشاره رسول خدا صلی الله علیه وآله علی را پیشوا قرار داد.

سیط بن الجوزي الحنفي ، شمس الدين أبوالمظفر يوسف بن فرغلي بن عبد الله البغدادي ، *تذكرة الخواص* ، ص 37 ، ناشر : مؤسسة أهل البيت - بيروت ، 1401هـ - 1981م .

### ترجمه ابن جوزی :

شمس الدين ذهبي در باره او مي‌گوید:

يوسف بن قُزُعْلِي بن عبد الله . الإمام ، الواعظ ، المؤرخ شمس الدين ، أبو المظفر التركي ، ثم البغدادي العوني الحنفي . سَيِّطُ الإمام جمال الدين أبي الفرج ابن الجوزي ؛ نزيل دمشق . وُلِدَ سنة إحدى وثمانين وخمسائة ... وكان إماماً ، فقيهاً ، واعظاً ، وحيداً في الوعظ ، علامةً في التاريخ والسير ، وافر الحرمة ، محبباً إلى الناس ... ودرّس بالشبلية مدة ، وبالمدرسة البدرية التي قبالة الشبلية . وكان فاضلاً عالماً ، ظريفاً ، منقطعاً ، منكرًا ، على أرباب الدول ما هم عليه من المنكرات ، متواضعا صاحب قبول تام .

يوسف بن فزعلي حنفي ، پیشوا ، فقيه ، تاریخ دان و در سخنوری یگانه بود ، در تاریخ و سرگذشت ، علامه و در نزد مردم بسیار قابل احترام و محبوب بود . مدتی در شبلیه و مدرسه بدریه تدریس می‌کرد ، او فاضل ، دانشمند و نکته سنج بود و با دولتمردانی که کارهای ناپسندی می‌کردند ، مخالفت می‌کرد و همگان او را قبول داشتند .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز ، *تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام* ، ج 48 ص 183 ، تحقيق : د. عمر عبد السلام تدمري ، ناشر : دار الكتاب العربي - لبنان/ بيروت ، الطبعة : الأولى ، 1407هـ - 1987م .

أبو محمد يافعي (متوفاي768هـ) در باره او مي‌نویسد :

**العلامة الواعظ المورخ** شمس الدين أبو المظفر يوسف التركي ثم البغدادي المعروف بابن الجوزي سبط الشيخ جمال الدين أبي الفرج ابن الجوزي أسمعته جده منه ومن جماعة وقدم دمشق سنة بضع وست مائة فوعظ بها وحصل له القبول العظيم للطف شمائله وعذوبة وعظه . در شهر دمشق مردم را موعظه می‌کرد و چون چهره و سخنش جذاب بود ، مورد قبول و پذیرش عموم قرار گرفت ... .

اليافعي ، أبو محمد عبد الله بن أسعد بن علي بن سليمان ، *مرآة الجنان وعبرة اليقظان* ، ج 4 ، ص 136 ، ناشر : دار الكتاب الإسلامي - القاهرة - 1413هـ - 1993م .

قطب الدين اليونيني (متوفاي726هـ) در باره او مي‌نویسد :

**وكان أوحده زمانه في الوعظ** حسن الإيراد ترق لرؤيته القلوب وتذرف لسماع كلامه العيون وتفرد بهذا الفن وحصل له فيه القبول التام وفاق فيه من عاصره وكثيراً ممن تقدمه حتى أنه كان يتكلم في المجلس الكلمات اليسيرة المعدودة أو ينشد البيت الواحد من الشعر فيحصل لأهل المجلس من الخشوع والاضطراب والبقاء ما لا مزيد عليه فيقتصر على ذلك القدر اليسير وينزل فكانت مجالسه نزهة القلوب و الأبصار يحضرها الصلحاء والعلماء والملوك والأمراء والوزراء وغيرهم ولا يخلو المجلس من جماعة يتوبون ويرجعون إلى الله تعالى .

در وعظ و سخنرانی در زمان خودش منحصر به فرد بود ، با دیدنش رقت قلب برای بیننده ایجاد می‌شد و با شنیدن سخنش اشک‌ها جاری می‌شد ، مورد قبول عموم بود ، گاهی در مجلسی کلماتی اندک و یا شعری می‌خواند همه حاضران را به گریه می‌انداخت . در مجلس وی همواره

دانشمندان و امیران و وزیران و غیر آنان حضور می یافتند ، و هیچگاه نمی شد که بدون توبه کسی از مجلسش خارج شود .

البیونینی ، قطب الدین أبو الفتح موسی بن محمد ، *ذیل مرآة الزمان* ، ج 1 ، ص 15 .

العکری الحنبلی (متوفای 1089هـ) در باره او می نویسد :

سبط ابن جوزی **العلامة الواعظ** المؤرخ شمس الدین أبو المظفر یوسف بن فرغلی ترکی ثم البغدادي الهیبری الحنفی سبط الشیخ أبي الفرج بن الجوزي أسمعہ جده منه ومن ابن کلب وجماعة وقدم دمشق سنة بضع وستمئة فوعظ بها وحصل له القبول العظيم للطف شمائله وعذوبة وعظه ... ولو لم يكن له إلا كتابه مرآة الزمان لكفاه شرفا .

العکری الحنبلی ، عبد الحی بن أحمد بن محمد ، *شذرات الذهب في أخبار من ذهب* ، ج 5 ، ص 266 ، تحقیق : عبد القادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤوط ، ناشر : دار بن كثير - دمشق ، الطبعة الأولى ، 1406هـ .

## 9 . علامه اسماعیل بن محمد العجلونی الجراحی (متوفای 1162هـ) :

عجلونی نویسنده کتاب کشف الخفاء ، از دانشمندان مشهور سنی در قرن دوازدهم در باره حدیث غدیر می گوید :

( من كنت مولاہ فعلی مولاہ ) رواه الطبراني وأحمد والضياء في المختارة عن زيد بن أرقم وعلي وثلاثين من الصحابة بلفظ اللهم وال من والاه وعاد من عاداه **فالحديث متواتر أو مشهور** .

حدیث: «من كنت مولاہ فعلی مولاہ» را طبرانی و احمد و ضیاء در کتابش المختارة، از زید بن ارقم و علی و سی نفر از صحابه نقل کرده اند، پس حدیث متواتر و مشهور است.

العجلونی الجراحی ، إسماعیل بن محمد ، *كشوف الخفاء ومزيل الإلباس عما اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس* ، ج 2 ، ص 361 ، رقم : 2591 ، تحقیق : أحمد القلاش ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة : الرابعة ، 1405هـ .

## ترجمه العجلونی :

البديري (متوفى بعد از 1175هـ) در ترجمه او می نویسد :

وفي يوم الاثنين ثاني محرم هذه السنة توفي شيخنا محدث الديار الشامية ، **بل خاتمة المحدثين** ، من افتخرت به دمشق على سائر الدنيا الشيخ إسماعيل العجلوني المدرس تحت قبة النسر بجامع بني أمية ، ولم يبق أحد من أهل الشام من كبير وصغير إلا حضر جنازته .

در دوم محرم سال 1162 استاد ما ، محدث دیار شام و بلکه خاتم محدثان و کسی که مردم شام به جهت وجود او در آن دیار بر دیگر مردم دنیا فخر فروشی می کردند ، از دنیا رفت . در روز مرگش کوچک و بزرگ در تشییع جنازه اش شرکت کردند .

البديري الحلاق ، أحمد بن بدير ، *حوادث دمشق اليومية* ، ج 1 ، ص 30 ، حوادث سال 1162هـ .

محقق کتاب کشف الخفاء در مقدمه کتاب ص 6 می نویسد :

وقد ترجمه الشيخ سعيد السمان في كتابه وقال في وصفه : خاتمة أئمة الحديث ومن ألقن إليه مقاليدها بالقديم والحديث اقتدح زناده فيه فأضاء وشاع حتى ملأ الفضاء أخذاً بطرفي العلم والعمل متسماً ذروة عن غيره بعيدة الأمل يقطع أناء الليل تضرعاً وعبادةً ويوسع أطراف النهار قراءة وإفادة لا يشغله عن تردادته النظر في دفاتره مرام ولا عن نشر طبيعتها نقض ولا إبرام مع ورع ليس للرباء عليه سبيل و غص بصر عما لا يعني من هذا القبيل ... .

خاتم امامان حدیث ، کلید و رمز همه علوم در دست او بود ، شبهایش به عبادت و روزش به مطالعه و تدریس می گذشت ، اهل پارسائی و ورع و به دور از ریا بود ... .

## 10 . محمد بن اسماعیل صنعانی (متوفای 1182هـ) :

صنعانی ، نویسنده کتاب معتبر *سبل السلام* در باره حدیث غدیر می گوید :

حدیث من كنت مولاة فعلى مولاة أخرجه جماعة من أئمة الحديث منهم أحمد والحاكم من حدیث ابن عباس وابن أبي شيبه وأحمد من حدیث ابن عباس عن بريدة وأحمد وابن ماجه عن البراء و... **وقد عده أئمة من المتواتر .**

گروهی از بزرگان و پیشوایان در دانش حدیث ؛ مانند : احمد حنبل و حاکم نیشابوری و ابن ابی شیبه و ابن ماجه حدیث : من كنت مولاة... را با سند روایت کرده اند . برخی از پیشوایان آن را از احادیث متواتر شمرده اند .

الحسنی صنعانی ، محمد بن إسماعیل الأمير ، *توضیح الأفكار لمعانی تنقیح الأنظار* ، ج 1 ، ص 243 ، تحقیق : محمد محی الدین عبد الحمید ، ناشر : المكتبة السلفية - المدينة المنورة .

### ترجمه صنعانی :

القنوجی (متوفای 1307 هـ) در باره او می گوید :

کتاب اسبال المطر علی قصب السكر و کتاب توضیح الافکار شرح تنقیح الانظار کلاهما للسید **الامام المجتهد العلامة** محمد بن إسماعیل الامیر الیمنی رحمه الله .

نویسنده کتاب اسبال المطر و توضیح الأفكار ؛ آقا ، امام ، مجتهد و علامه محمد اسماعیل است .

القنوجی ، صدیق بن حسن ، *أبجد العلوم الوشي المرقوم في بيان أحوال العلوم* ، ج 2 ، ص 66 ، تحقیق : عبد الجبار زکار ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت - 1978 .

اسماعیل باشا بغدادی (متوفای 1339 هـ) در هدیه العارفین می نویسد :

السید محمد بدر الدین ابن المتوکل علی الله اسماعیل بن صلاح الامیر الکحلانی ثم صنعانی رئیس العلماء والخطیب بها هو من اصحاب الحدیث والاجتهاد .

او رئیس علما و خطیب آنها و از اصحاب حدیث و اجتهاد بود .

البغدادی ، إسماعیل باشا البغدادی ، *هدیه العارفین أسماء المؤلفین وأثار المصنفین* ، ج 6 ، ص 338 ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت - 1413 - 1992 .

## 11 . محمد بن جعفر الکتانی (متوفای 1345هـ) :

جعفر کتانی از مشاهیر قرن چهاردهم در باره حدیث غدیر می گوید :

وفي رواية لأحمد أنه سمعه من النبي (ص) **ثلاثون صحابيا وشهدوا به لعلي لما نوزع أيام خلافته** **وممن صرح بتواتره أيضا المناوي** في التيسير نقلا عن السيوطي وشارح المواهب اللدنية وفي الصفوة للمناوي .

در نقل احمد آمده است که سي نفر از اصحاب رسول خدا براي علي شهادت دادند که حدیث غدیر را از زبان پیامبر شنیده اند ، و از کسانی که تصریح به تواتر آن دارد مناوی است که آن را از سیوطی نقل کرده است .

الكتاني ، محمد بن جعفر أبو عبد الله ، نظم المتناثر من الحديث المتواتر ، ج 1 ، ص 195 ، تحقيق : شرف حجازي ،  
ناشر : دار الكتب السلفية - مصر .

## 12 . محمد ناصر الباني (1332 هـ . 1914 م ؛ 1420 هـ - 1999 م) :

محمد ناصر الباني ، محدث مشهور و معاصر وهابي كه بيش از صد جلد كتاب نوشته ، در باره  
حديث غدیر مي گويد :

و للحديث طرق أخرى كثيرة جمع طائفة كبيرة منها الهيثمي في " المجمع " ( 9 / 103 - 108 )  
( و قد ذكرت و خرجت ما تيسر لي منها مما يقطع الواقف عليها بعد تحقيق الكلام على أسانيدھا  
بصحة الحديث يقينا ، و إلا فهي كثيرة جدا ، و قد استوعبها ابن عقدة في كتاب مفرد ، قال الحافظ ابن  
حجر : منها صحاح و منها حسان .

و جملة القول أن حديث الترجمة حديث صحيح بشطريه ، بل الأول منه متواتر عنه صلى الله  
عليه وسلم كما ظهر لمن تتبع أسانيدہ و طرقہ ، و ما ذكرت منها كفاية .

الباني ، محمد ناصر (معاصر) ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامہ المكتبة الشاملة .

براي حديث غدیر سندهاي بسياري ذکر شده است كه افراد زيادي مانند هيثمي در كتابش  
المجمع اسناد آن را ذکر کرده اند ، و من آنچه آورده ام اندكي از آن است كه هر كسي پس از آشنائي با  
اسناد آن يقين به صحت پيدا مي كند . ابن عقده همه راههاي نقل آن را در كتابي مستقل جمع کرده  
است و ابن حجر بنا بر بعضي از اسناد ، آن را صحيح و بر بعضي از اسناد ، حسن دانسته است .  
خلاصه سخن آن كه هر دو قسمت اين روايت [من كنت مولاه فعلي مولاه ؛ اللهم وال من والاه  
[ صحيح هستند ؛ بلکه قسمت اول آن به صورت متواتر از رسول خدا صلي الله عليه وآله نقل شده  
است ... .

### ترجمه الباني :

سايته كه وهابيها به نام او در اينترنت داير کرده اند ، وي را اين گونه معرفي کرده است :  
العلامة الشيخ محمد ناصر الدين الألباني أحد أبرز العلماء المسلمين في العصر الحديث ، ويعتبر  
الشيخ الألباني من علماء الحديث البارزين المتفردين في علم الجرح والتعديل ، والشيخ الألباني حجة  
في مصطلح الحديث وقال عنه العلماء المحدثون إنه أعاد عصر ابن حجر العسقلاني والحافظ بن كثير  
وغيرهم من علماء الجرح والتعديل .

علامه ناصر الدين الباني يكي از معروفترين دانشمندان مسلمان در زمان حاضر است ، او در  
حديث شناسي و جرح و تعديل رجال و راويان حديث منحصر به فرد و الگوي ديگران است ، برخي از  
دانشمندان در باره وي گفته اند : الباني زمان ابن حجر عسقلاني و ابن كثير و ديگر دانشمندان در علم  
حديث شناسي و جرح و تعديل را زنده کرده است .

و بعد در ادامه مي نويسد :

قال سماحة الشيخ عبد العزيز بن باز رحمه الله :

«ما رأيت تحت أديم السماء عالما بالحديث في العصر الحديث مثل العلامة محمد ناصر الدين

الألباني» .

بن باز مفتي اسبق حجاز مي گويد : در عصر حاضر دانشمندي دانانتر از شيخ ناصر الباني به  
علم حديث در زير آسمان كبود سراغ ندارم .

و نیز می‌نویسد :

وسئل سماحته عن حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم : «ان الله يبعث لهذه الأمة على رأس كل مائة سنة من يجدد لها دينها» فسنئل من مجدد هذا القرن ، فقال رحمه الله : الشيخ محمد ناصر الدين الألباني هو مجدد هذا العصر في ظني والله أعلم .

از بن باز در باره این سخن رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرمود : در هر صد سال خداوند احیا گری برای دین می‌فرستد ، سؤال شد ، که چه کسی اکنون مجدّد دین است ؟ گفت : به گمان من احیاگر سنت و دین در این زمان البانی است .

و به نقل از شیخ مقبل الوادعی می‌نویسد :

والذي أعتقده وأدين الله به أن الشيخ محمد ناصر الدين الألباني حفظه الله من المجددين الذين يصدق عليهم قول الرسول (صلى الله عليه وسلم) : «إن الله يبعث على رأس كل مائة سنة من يجدد لها أمر دينها» .

مقبل وادعی گفته است : آنچه من به آن اعتقاد دارم این است که البانی از مجددین و

احیاگران دین و مصداق حدیث رسول خدا صلی الله علیه وآله است که در هر قرن يك نفر به دنیا می‌آید که دین را احیاء می‌کند .

مصدر :

[http://alalbany.net/albany\\_serah.php](http://alalbany.net/albany_serah.php)

### 13 . شعيب الأرنؤوط (معاصر) :

شعيب الأرنؤوط ، محقق مشهور و معاصر سنی که کتاب‌های بسیاری ؛ از جمله تهذيب الكمال ، سير اعلام النبلاء ، مسند احمد و ... را تحقیق و تصحیح کرده است ، در تحقیق کتاب مسند احمد ، در ذیل حدیث 3062 نکاتی را یادآور می‌شود و از جمله می‌گوید :

قوله « من كنت مولاة فعلي مولاة » لها شواهد كثيرة **تبلغ حد التواتر** .

حدیث: من كنت مولاة فعلي مولاة ، شواهد بسیاری دارد که آن به مرحله تواتر می‌رساند .

احمد بن حنبل ، مسند أحمد بن حنبل ، (الأحاديث من ذيل أحكام شعيب الأرنؤوط عليها) ج 1 ، ص 330 ، ذیل حدیث 3062 ، ناشر مؤسسة قرطبة - القاهرة .

### اعتراف علمای اهل سنت به صحت حدیث غدیر :

#### 1 . ترمذی از ابو طفیل :

حدثنا محمد بن بشار حدثنا محمد بن جعفر حدثنا شعبة عن سلمة بن كهيل قال سمعت أبا الطُّفَيْل يحدث عن أبي سريحة أو زيد بن أرقم شكَّ شعبة عن النبي صلى الله عليه وسلم قال : «من كنت مولاة فعلي مولاة» .

قال : أبو عيسى **هذا حديث حسن صحيح** وقد روى شعبة هذا الحديث عن ميمون أبي عبد الله عن زيد بن أرقم عن النبي صلى الله عليه وسلم وأبو سريحة هو حذيفة بن أسيد الغفاري صاحب النبي .

أبي سريحة و يا زيد بن أرقم (ترديد از شعبه است) از رسول خدا نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود : «هرکس من مولای او هستم ، پس علی مولای او است» .

این حدیث حسن و صحیح است ، شعبه این روایت را از میمون بن عبد الله از زید بن أرقم از رسول خدا صلی الله علیه و اله نقل کرده است . أبو سريحه همان حذيفة بن أسيد غفاري صحابي رسول خدا است .

الترمذي ، محمد بن عيسى أبو عيسى السلمي (متوفاي 279هـ) ، سنن الترمذي ، ج 5 ، ص 633 ، ح 3713 ، باب مَنَاقِبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، تحقيق : أحمد محمد شاكر وآخرون ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت .

محمد ناصر الباني بعد از نقل این روایت می گوید :

أخرجه الترمذي و قال : «حدیث حسن صحیح» .

قلت : وإسناده صحیح علی شرط الشيخين .

ترمذی آن را نقل کرده و گفته است که این روایت حسن و صحیح است و من می گویم که سند آن با شرائطی که بخاری و مسلم برای صحت روایت قائل هستند ، صحیح است .

الألبانی ، محمد ناصر ، سلسلة الأحاديث الصحيحة ، ج 4 ، ص 331-332 ، ناشر : مكتبة المعارف - الرياض .

## 2 . ابن ماجه قزوینی از سعد بن أبي وقاص :

حدثنا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثنا أَبُو مُعَاوِيَةَ ثنا مُوسَى بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ بَنِ سَائِبٍ وَهُوَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ قَالَ قَدِمَ مُعَاوِيَةُ فِي بَعْضِ حَجَّاتِهِ فَدَخَلَ عَلَيْهِ سَعْدٌ فَذَكَرُوا عَلِيًّا فَقَالَ مِنْهُ فَعَضِبَ سَعْدٌ وَقَالَ تَقُولُ هَذَا لِرَجُلٍ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مِنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَيٌّْ مَوْلَاهُ وَسَمِعْتَهُ يَقُولُ أَنْتَ مِنِّي يَمْنَزَلَةَ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَسَمِعْتَهُ يَقُولُ لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ الْيَوْمَ رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ .

عبد الرحمن ، معروف به ابن سابط ، از سعد بن ابی وقاص نقل کرده است که در یکی از

سالهای حج که معاویه به مکه رفته بود ، سعد بن ابی وقاص به ملاقات او رفت . در این هنگام ، حاضران برای خوشحال کردن ، معاویه ، از حضرت علی علیه السلام بدگویی می کردند .

سعد ، از شنیدن نکوهش آنان ، خشمناک شد و گفت : چنین سخنان نابجا و نابخردانه را

درباره بزرگواری می گوئید که خود از رسول خدا صلی الله علیه و اله شنیدم فرمود :

«من كنت مولاة فعلي مولاة» .

و شنیدم خطاب به حضرت علی علیه السلام، می فرمود:

«انت مني بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدى»

و شنیدم که فرمود:

«لأعطين الراية رجلا يحب الله ورسوله ؛ همانا پرچم جنگ را به مردی می سپارم که خدا و

رسول خدا صلی الله علیه و اله را دوست می دارد.

ابن ماجه القزوینی ، محمد بن يزيد (متوفاي 275 هـ) ، سنن ابن ماجه ، ج 1 ، ص 45 ، ح 121 ، باب فَضْلِ عَلِيِّ بْنِ

أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، ناشر : دار الفكر - بيروت .

محمد ناصر الباني نیز بعد از نقل روایت می گوید :

أخرجه ابن ماجة ( 121 ) . قلت : وإسناده صحیح .

ألباني، محمد ناصر ، سلسلة الأحاديث الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

## 3 . ابن ماجه قزوینی از براء بن عازب :

حدثنا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثنا أَبُو الْحُسَيْنِ أَخْبَرَنِي حَمَادُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدِ بْنِ جُدْعَانَ عَنْ عَدِيِّ بْنِ نَائِبٍ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ أَقْبَلْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَجَّتِهِ الَّتِي حَجَّ



فَنَزَلَ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ فَأَمَرَ الصَّلَاةَ جَامِعَةً فَأَخَذَ يَدَ عَلِيٍّ فَقَالَ أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا بَلَىٰ قَالَ أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ قَالُوا بَلَىٰ قَالَ فَهَذَا وَلِيُّيَّ مِنْ أَنَا مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهُ اللَّهُمَّ عَادِ مِنْ عَادَاهُ .

عدي بن ثابت از براء بن عازب نقل کرده است که در «حجة الوداع» که افتخار همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشتیم ، در بازگشت ، در یکی از مسیرها دستور داد برای نماز جمع شویم و در آنجا دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود :  
«أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ ؛ آیا من سزاوارتر نیستم به مؤمنان از خود آنها؟»  
همگی تصدیق کرده و بله گفتند . باز فرمود :  
«أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ ؛ آیا من نسبت به تک تک مؤمنان از خود آنها سزاوارتر نیستم ؟» .

باز هم تصدیق کرده و بله گفتند . سپس اشاره به حضرت علی علیه السلام کرده و فرمود:  
«فهذا وليّ من أنا مولاه» ؛ اکنون که فرموده مرا تصدیق کردید ، بدانید که علی به هر مؤمنی همان مقام اولویت را دارد که من نسبت به آن مؤمن دارم.  
سپس فرمود : « پروردگارا! دوست علی علیه السلام را دوست بدار ، و دشمن او را خوار و ذلیل فرما » .

ابن ماجه القزويني ، محمد بن يزيد (متوفى 275 هـ) ، سنن ابن ماجه ، ج 1 ، ص 43 ، ح 116 ، قَضَلَ عَلِيٌّ بِنَ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، ناشر : دار الفكر - بيروت .  
الباني بعد از نقل این روایت می‌گوید :  
صحيح .

محمد ناصر الألباني ، صحيح ابن ماجه ، ج 1 ، ص 26 ، ح 113 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

#### 4 . ابن حجر عسقلاني از امير مؤمنان عليه السلام :

وقال إسحاق : أخبرنا أبو عامر العقدي ، عن كثير بن زيد ، عن محمد بن [ عمر ] بن علي عن أبيه ، عن علي رضي الله عنه قال : إن النبي صلى الله عليه وسلم حضر الشجرة بخم ، ثم خرج أخذاً بيد علي رضي الله عنه قال : « أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَبُّكُمْ ؟ » قَالُوا : بَلَى . قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : « أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَرَسُولَهُ أَوْلَىٰ بِكُمْ ؟ » فَقَالُوا : بَلَى . قَالَ : « فَمَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ هَذَا مَوْلَاهُ ، وَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى ، سِبْهَ بَيْدِي ، وَسِبْهَ بِأَيْدِيكُمْ ، وَأَهْلَ بَيْتِي » .

حضرت علی علیه السلام فرموده است : رسول خدا صلی الله علیه و آله در زیر درختی در محل «خم» قرار گرفته بود ، طولی نکشید از زیر درخت بیرون آمده و دست مرا گرفت و خطاب به مردم فرمود : ای مردم ! مگر نه این است که گواهی می‌دهید ، خدای تعالی پروردگار شماست ؟ در پاسخ گفتند : آری ! فرمود :

مگر نه این است که گواهی می‌دهید ، خدا و رسول او از جان شما به شما سزاوارترند ؟ و خدا و رسول او مولاى شمايند ؟ گفتند : آری ! فرمود : بنا بر این ، کسی که خدا و رسول او مولاى او هستند ، به راستی این شخص (علی علیه السلام) مولاى اوست. اينك ، در میان شما دو اثر ارزنده و گرانبها می‌گذارم که هرگاه به آنها تمسك کنید ، هرگز در منجلاى گمراهی گرفتار نخواهید شد : یکی

، کتاب خدا است که ریسمان استوار میان شما و خدا می‌باشد که يك طرف آن در دست حق تعالی است و طرف دیگرش در اختیار شماس است و دیگری ، اهل بیت من است .

ابن حجر بعد از نقل این روایت می‌گوید :

( هذا إسناد صحيح ) ، و حدیث غدیر خم قد أخرج النسائي من رواية أبي الطفيل عن زيد بن أرقم ، و علي ، و جماعة من الصحابة رضي الله عنهم ، وفي هذا زيادة ليست هناك ، وأصل الحديث أخرجه الترمذي أيضا .

سند این روایت صحیح است . حدیث غدیر خم را نسائی از طریق أبو طفیل از زید بن أرقم و نیز از علي عليه السلام و گروهی از صحابه نقل کرده است . در این روایت چیزهای است که در آنها نیست . اصل حدیث را ترمذی نیز نقل کرده است .

ابن حجر عسقلانی ، أحمد بن علي بن حجر (متوفای 852 هـ) ، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية ، ج 16 ، ص 142 ، ج 3943 ، تحقیق : د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشتری ، ناشر : دار العاصمة/ دار الغیث - السعودية ، الطبعة : الأولى ، 1419 هـ .

## 5 . احمد بن حنبل از ریح بن الحرث :

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا يحيى بن آدم ثنا حنث بن الحرث بن لقيط النخعي الأشجعي عن ریح بن الحرث قال جاء رهط إلى علي بالرحبة فقالوا السلام عليك يا مولانا قال كيف أكون مولاكم وأنتم قوم عرب قالوا سمعنا رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غد يرخم يقول من كنت مولاة فان هذا مولاة قال ریح فلما ماضوا تبعهم فسألت من هؤلاء قالوا نفر من الأنصار فيهم أبو أيوب الأنصاري . نخعي از ریح بن حارث روایت کرده است که گروهی در رحبه حضور مبارك حضرت علی عليه السلام شرفیاب شدند ، سلام بر آن حضرت کرده گفتند : «السلام عليك يا مولانا» حضرت علی عليه السلام از آنان پرسید : چگونه من مولای شما هستم با آن که شما از گروه عرب می‌باشید ؟ در پاسخ گفتند : به دلیل آن که در روز غدیر خم از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدیم می‌فرمود :

«من كنت فان هذا مولاة»

ریح گوید : پس از آن که گروه مورد نظر از حضور مبارك مرخص شدند ، دنبال آنان رفته و از کسانی پرسیدم که اینان از چه تیره‌ای هستند ؟ گفتند : از مردم «انصار» هستند که در میان آنها أبو أيوب انصاري نیز وجود داشت .

أحمد بن حنبل ، أبو عبد الله الشيباني (متوفای 241 هـ) ، مسند الإمام أحمد بن حنبل ، ج 5 ، ص 419 ، ج 23609 ، ناشر : مؤسسة قرطبة - مصر .

الباني بعد از نقل این روایت می‌گوید :

أخرجه أحمد والطبراني من طريق حنث بن الحرث بن لقيط النخعي الأشجعي عن ریح بن الحرث .

قلت : وهذا إسناد جيد رجاله ثقات . وقال الهيثمي : « رواه أحمد و الطبراني ، و رجال أحمد ثقات » .

این روایت را احمد و طبرانی از طریق حنث بن حارث بن لقيط از ریح بن حارث نقل کرده‌اند . نظر من این است که سند این روایت نیکو و روایان آن مورد اعتماد هستند . و هیثمی گفته است که احمد و طبرانی آن را نقل کرده‌اند و روایان مسند احمد مورد اعتماد هستند .

الباني ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

## 6 . احمد بن حنبل از أبي طفيل :

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حسين بن محمد وأبو نعيم المعنى قالاً ثنا فطر عن أبي الطفيل قال جمع علي رضي الله عنه الناس في الرحبة ثم قال لهم أنشد الله كل امرئ مسلم سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم ما سمع لهما قام فقام ثلاثون من الناس وقال أبو نعيم فقام ناس كثير فشهدوا حين أخذه بيده فقال للناس أتعلمون انى أولى بالمؤمنين من أنفسهم قالوا نعم يا رسول الله قال من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه قال فخرجت وكان في نفسي شيئاً فلقيت زيد بن أرقم فقلت له انى سمعت علياً رضي الله عنه يقول كذا وكذا قال فما تنكر قد سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ذلك له .

فطر بن خليفة از ابو طفيل نقل کرده است حضرت على عليه السلام مردم را در رجبه گرد آورد و فرمود : سوگند می‌دهم هر مرد مسلمانی که غدیر خم را به خاطر دارد و سخنی را که در آن روز از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده است ، از جای برخیزد . سى تن از مردم برای اقامه شهادت بر پای خاستند .

ابو نعیم ، گفته است که گروه بسیاری قیام کردند و اعلام کردند آن هنگام حاضر بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست امیر المؤمنین علی علیه السلام را به دست مبارك خود گرفت خطاب به مردم فرمود:

آیا می‌دانید که من سزاوارتر به مؤمنان از خود آنها می‌باشم ؟ همگی فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله را تصدیق کردند و به همین دلیل بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من كنت مولاه فهذا مولاه»

و اضافه فرمود : «پروردگارا ! دوست علی را دوست بدار ، و دشمن علی را دشمن بدار . ابو طفیل گفت : از میان جمع در حالی بیرون رفتم که در خودم احساس ناراحتی می‌کردم ، و در بازگشت از اجتماع مردم ، به دیدار زید بن ارقم رفتم و به او گفتم : از علی چنین و چنان شنیدم و ناراحت شدم ! زید گفت : آنچه را که شنیدی انکار مکن ! ؛ زیرا آنچه را که شنیده‌ای من خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده‌ام ! .

أحمد بن حنبل ، أبو عبدالله الشيباني (متوفى 241هـ) ، مسند أحمد بن حنبل ج 4 ، ص 370 ، ح 19321 ، ناشر : مؤسسة قرطبة - مصر .

الباني بعد از نقل این روایت می‌گوید :

أخرجه أحمد ( 4 / 370 ) و ابن حبان في " صحيحه " ( 2205 - موارد الظمان ) و ابن أبي عاصم ( 1367 و 1368 ) و الطبراني ( 4968 ) و الضياء في " المختارة " ( رقم - 527 بتحقيقي ) .

قلت : و إسناد صحیح علی شرط البخاري . و قال الهيتمي في " المجمع " ( 9 / 104 ) : " رواه أحمد و رجاله رجال الصحيح غير فطر بن خليفة و هو ثقة " .

این روایت را احمد ، ابن حبان در صحیحش ، ابن أبي عاصم ، طبراني ، مقدسي در المختاره که خود آن را تحقیق کرده‌ام ، نقل نموده‌اند .

نظر من این است که این روایت بر طبق شرائطی که بخاری برای صحت حدیث قائل است ، صحیح است . هیثمی در مجمع الزوائد گفته است که آن را احمد نقل کرده و راویان حدیث احمد ، راویان صحیح بخاری هستند ؛ غیر از فطر بن خلیفه که او نیز مورد اعتماد است .

الباني ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

## 7 . احمد بن حنبل از سعيد بن وهب و زيد بن يسع :

حدثنا عبد الله ثنا علي بن حكيم الأودي أنبأنا شريك عن أبي إسحاق عن سعيد بن وهب وعنه زيد بن يثيع قالاً نشد علي الناس في الرحبة من سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم الا قام قال فقام من قبل سعيد سبته ومن قبل زيد سبته فشهدوا انهم سمعوا رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لعلي رضي الله عنه يوم غدیر خم أليس الله أولى بالمؤمنين قالوا بلى قال اللهم من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه .

أبو اسحاق از سعيد بن وهب و از زيد بن يثيع روايت کرده است که هر دو تن گفتند : حضرت علی عليه السلام در رحبه ، حاضران را سوگند داد که هر کس در روز غدیر خم سخنی در حق من از رسول خدا صلی الله عليه و آله شنیده است از جا برخیزد . در این هنگام شش تن از کنار سعيد و شش تن از پهلوی زيد برخاستند و گواهی دادند که آنان در آنروز از رسول خدا صلی الله عليه و آله در محل غدیر شنیدند ، خطاب به مردم فرمود :

«أليس الله أولى بالمؤمنين؟»

حاضران گفتند :

آری ! خدا بر همگی آنان اولویت دارد . به همین دلیل بود که رسول خدا صلی الله عليه و آله

فرمود :

«اللهم من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه».

خدایا هرکس من مولای او هستم ، علی مولای او است ، خدایا دوست بدار هر کس علی را دوست دارد و دشمن باش با هر کس که با علی دشمنی کند .

أحمد بن حنبل ، أبو عبدالله الشيباني (متوفى 241 هـ) ، مسند الإمام أحمد بن حنبل ، ج 1 ، ص 118 ، ح 950 ، ناشر : مؤسسة قرطبة - مصر .

محمد ناصر الباني بعد از نقل این روایت می‌گوید :

و قد مضى في الحديث الرابع - الطريق الثانية و الثالثة . و إسناده حسن ، و أخرجه البزار بنحوه و أتم منه . و للحديث طرق أخرى كثيرة جمع طائفة كبيرة منها الهيئتي في " المجمع " ( 9 / 103 - 108 ) .

وقد ذكرت و خرجت ما تيسر لي منها مما يقطع الواثق عليها بعد تحقيق الكلام على أسانيدھا بصحة الحديث يقينا ، و إلا فهي كثيرة جدا ، و قد استوعبها ابن عقدة في كتاب مفرد ، قال الحافظ ابن حجر : منها صحاح و منها حسان .

و جملة القول أن حديث الترجمة حديث صحيح بشطريه ، بل الأول منه متواتر عنه صلى الله عليه وسلم كما ظهر لمن تتبع أسانيدھ و طرقه ، و ما ذكرت منها كفاية .

در حدیث چهارم ، طریق دوم و سوم گذشت . سند آن حسن است و بزار به صورت کاملتر آن را نقل کرده است . علاوه بر آن برای حدیث غدیر سندهای بسیاری ذکر شده است که افراد زیادی مانند هیئتی در کتابش المجمع اسناد آن را ذکر کرده اند ،

ومن آنچه آورده‌ام به اندازه توانم بوده است که هر کسی پس از آشنائی با اسناد آن یقین به صحت پیدا می‌کند و گرنه بسیار بیشتر از آن است که من آورده‌ام . ابن عقده همه راه‌های نقل آن را در کتابی مستقل جمع کرده است و ابن حجر بنا بر بعضی از اسناد ، آن را صحیح و بر بعضی از اسناد ، حسن دانسته است .

خلاصه سخن آن که هر دو قسمت این روایت [من كنت مولاه فعلي مولاه ؛ اللهم وال من والاه  
[ صحیح هستند ؛ بلکه قسمت اول آن به صورت متواتر از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده  
است ... ]

الباني ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

## 8 . نسائي از زيد بن أرقم :

أخبرنا محمد بن المثنى قال حدثني يحيى بن حماد قال حدثنا أبو عوانة عن سليمان قال حدثنا  
حبيب بن أبي ثابت عن أبي الطفيل عن زيد بن أرقم قال لما رجع رسول الله صلى الله عليه وسلم عن  
حجة الوداع ونزل غدیر خم أمر بدوحات فقممن ثم قال كأي قد دعيت فأجبت و إنني قد تركت فيكم  
الثقلين أحدهما أكبر من الآخر كتاب الله وعترتي أهل بيتي فأنظروا كيف تخلفوني فيهما فإنهما لن  
يتفرقا حتى يردا على الحوض ثم قال إن الله مولاي وأنا ولي كل مؤمن ثم أخذ بيد علي فقال من كنت  
وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه فقلت لزيد سمعته من رسول الله صلى الله عليه  
وسلم فقال ما كان في الدوحات أحد إلا رآه بعينه وسمعه بأذنيه .

ابو طفيل از زيد بن ارقم نقل کرده است : هنگامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از حجة  
الوداع بازمی‌گشت ، در محل غدیر خم منزل کرد و به درختان چندی که در آن نزدیکی بود اشاره کرد .  
اصحاب بلا فاصله زیر آن درخت‌ها را تمیز کرده و سایبانی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله تشکیل  
دادند . حضرت رسول صلی الله علیه و آله در زیر آن سایبان قرار گرفت و خطاب به حاضران فرمود :  
روزگار من به پایان رسیده و مرا به سوی خدا و عنایات حضرت او دعوت کرده‌اند ، دعوت حضرت  
او را اجابت کرده‌ام . اینک ، دو اثر گرانبها در میان شما به جای می‌گذارم که یکی از آن دو ، مهمتر از  
دیگری است و آن دو اثر گرانبها ، کتاب خدا و عترت اهل بیت من است ؛ اینک بنگرید تا پس از رحلت من  
با آنها چگونه رفتار خواهید کرد . بدیهی است این دو یادگار از یکدیگر دور نخواهند شد تا اینکه در کنار  
حوض کوثر با من ملاقات نمایند . سپس فرمود :

«إنَّ اللهَ مولای و انا ولیَّ كلِّ مؤمن»

سپس دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود :

«من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»

ابو طفیل گوید : از زید پرسیدم : آیا تو از رسول خدا صلی الله علیه و آله این جملات را  
شنیده‌ای ؟ زید در پاسخ گفت : آری ! همه آن‌ها که در اطراف درخت آن حضور داشتند آن حضرت را  
دیدند و سخن ایشان را شنیدند.

النسائي ، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن (متوفاي 303 هـ) ، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ، ج 1 ،  
ص 96 ، ح 79 ، تحقيق : أحمد ميرين البلوشي ، ناشر : مكتبة المعلا - الكويت الطبعة : الأولى ، 1406 هـ .

حاکم نیشابوری بعد از نقل روایت می‌گوید :

هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه بطوله .

این حدیث با شرائطی که بخاری و مسلم در صحت روایت قائل هستند ، صحیح است ؛ ولی  
آن‌ها نقل نکرده‌اند .

الحاكم النيسابوري ، محمد بن عبدالله أبو عبدالله (متوفاي 405 هـ) المستدرک علي الصحيحين ، ج 3 ص 118 ،  
تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، الناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، ط 1 ، 1411 هـ - 1990 م .  
ابن كثير دمشقي سلفي (متوفاي 774 هـ) بعد از نقل روایت می‌گوید :

قال شيخنا أبو عبد الله الذهبي وهذا حديث صحيح .  
استاد ما ابو عبد الله ذهبي گفت كه اين حديث صحيح است .  
ابن كثير الدمشقي ، إسماعيل بن عمر القرشي أبو الغداء ، البداية والنهاية ، ج 5 ، ص 209 ، ناشر : مكتبة المعارف - بيروت .

## 9 . نسائي از سعد بن أبي وقاص :

83 أخبرني زكريا بن يحيى قال حدثنا نصر بن علي قال أخبرنا عبد الله ابن داود عن عبد الواحد بن أيمن عن أبيه أن سعدا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من كنت مولاه فعلي مولاه .  
سعد بن أبي وقاص گفته است كه رسول خدا صلي الله عليه وآله فرمود : هر كس من مولاي او هستم ، علي مولاي او است .  
النسائي ، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن (متوفى 303 هـ) ، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ، ج 1 ، ص 81 ، ج 83 ، ناشر : مكتبة المعلا - الكويت - 1406 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : أحمد ميرين البلوشي .  
الباني بعد از نقل روایت مي گوید :  
الثانية [من طريق سعد بن أبي وقاص] : عن عبد الواحد بن أيمن عن أبيه به . أخرجه النسائي في " الخصائص " و إسناده صحيح أيضا ، رجاله ثقات رجال البخاري غير أيمن والد عبد الواحد و هو ثقة كما في " التقريب " .  
روایت دوم از روایت های سعد بن أبي وقاص از عبد الواحد بن أيمن از پدرش نقل شده است .  
این روایت را نسائي در خصائص نقل کرده و سندش صحیح و راویان آن راویان صحیح بخاری هستند ؛  
غیر از پدر عبد الواحد که او نیز مورد اعتماد است ؛ چنانچه در تقریب التهذیب ابن حجر آمده است .  
الباني ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

## 10 . حاکم نیشابوري از زید بن أرقم :

أخبرني محمد بن علي الشيباني بالكوفة ثنا أحمد بن حازم الغفاري ثنا أبو نعيم ثنا كامل أبو العلاء قال سمعت حبيب بن أبي ثابت يخبر عن يحيى بن جعدة عن زيد بن أرقم رضي الله عنه قال خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى انتهينا إلى غدیر خم فأمر بدهج فمسح في يوم ما أتى علينا يوم كان أشد حرا منه فحمد الله وأثنى عليه وقال يا أيها الناس أنه لم يبعث نبي قط إلا ما عاش نصف ما عاش الذي كان قبله وإنني أوشك أن أدعى فأجيب وإنني تارك فيكم ما لن تضلوا بعده كتاب الله عز وجل ثم قام فأخذ بيد علي رضي الله عنه فقال يا أيها الناس من أولى بكم من أنفسكم ؟ قالوا الله ورسوله أعلم . [قال] : ألسنت أولى بكم من أنفسكم ؟ قالوا : بلى قال من كنت مولاه فعلي مولاه .  
يحيى بن جعدة از زید بن ارقم روایت کرده است كه همراه رسول خدا صلی الله عليه و آله به راه خویش ادامه می دادیم تا به غدیر خم رسیدیم . در آن جا درختی بود كه رسول خدا صلی الله عليه و آله به آن درخت اشاره كرد و اصحاب زیر آن درخت را تمیز و مرتب ساختند و آن روز به اندازه ای هوا گرم بود كه ما روز گرم و پر حرارتی را مانند آن روز ندیده بودیم .  
در آنجا بود كه رسول خدا صلی الله عليه و آله به ایراد خطابه پرداخت . پس از حمد و ثنای الهی ، خطاب به مردم فرمود : هیچ پیغمبری مبعوث نمی شود مگر آنكه نیمی از مقدار زندگی پیغمبر پیشین خود را عهده دار می شود ؛ طولی نمی کشد ، دعوت الهی را اجابت می کنم و دو اثر گران سنگ

(یا گرانها) در میان شما به جای می‌گذارم که اگر از خواسته و رویه آنان پیروی نمایید ، هرگز به گمراهی گرفتار نخواهید شد : یکی لِقَابِ خدا و دیگری عترت من است .

سپس دست علی علیه السلام را به دست گرفت و خطاب به مردم گفت : ای مردم ! چه کسی از جان و مال شما ، از خود شما سزاوارتر است ؟ گفتند : خدا و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ داناتر و اولیتر به جان و مال است آنگاه فرمود :

«من كنت مولاة فعلى مولاة» .

حاکم نیشابوری بعد از نقل روایت می‌گوید :

هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه .

و ذهبی نیز در تلخیص المستدرک سخن وی را تأیید می‌کند .

الحاکم النیشابوری ، محمد بن عبدالله أبو عبدالله (متوفای 405 هـ) المستدرک علی الصحیحین مع تضمینات الذهبی فی التلخیص ، ج 3 ، ص 613 ، ح 6272 ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، ط 1 - 1411 هـ - 1990 م .

## 11 . بزار از زید بن یثیع :

حدثنا يوسف بن موسى قال نا عبید الله بن موسى عن فطر بن خليفة عن أبي إسحاق عن عمرو ذي مر وعن سعيد بن وهب وعن زید بن یثیع قالوا سمعنا علیا يقول نشدت الله رجلا سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم لما قام فقام إليه ثلاثة عشر رجلا فشهدوا أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم قالوا بلى يا رسول الله قال فأخذ بيد علي فقال من كنت مولاة فهذا مولاة اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وأحب من أحبه وأبغض من أبغضه وانصر من نصره واخذل من خذله .

ابو اسحاق از عمرو بن ذی مر ، سعید بن وهب و زید بن یثیع به اتفاق همگان روایت کرده‌اند که از حضرت علی علیه السلام شنیدیم ، سوگند می‌داد که اگر کسی از شما از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در روز غدیر خم آن چه را درباره من فرموده ، شنیده است ، شهادت خود را اعلام نماید . سیزده تن از حاضران از جای برخاستند و شهادت دادند که از آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شنیدیم ، فرمود : مگر نه این که من از جان مؤمنان سزاوارتر از خود آن ها هستم ؟ مردم فرموده آن حضرت را تصدیق کردند . در این هنگام دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود :

«من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وأحب من أحبه وأبغض من أبغضه وانصر من نصره واخذل من خذله» .

البزار ، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفای 292 هـ) ، البحر الزخار (مسند البزار) ج 3 ، ص 35 ، ح 786 ، تحقیق : د. محفوظ الرحمن زین الله ، ناشر : مؤسسة علوم القرآن ، مكتبة العلوم والحكم - بیروت ، المدينة الطبعة : الأولى ، 1409 هـ .

هیثمی بعد از نقل این روایت می‌گوید :

رواه البزار ورجاله رجال الصحيح غير فطر بن خليفة وهو ثقة .

این روایت را بزار نقل کرده و راویان آن راویان صحیح بخاری هستند ، غیر از فطر بن خلیفه که او نیز مورد اعتماد است .

الهیثمی ، علی بن ابی بکر (متوفای 807 هـ) ، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، ج 9 ، ص 105 ، ناشر : دار الریان للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة ، بیروت - 1407 هـ .

## 12 . بزار از سعد بن أبي وقاص :

حدثنا هلال بن بشر قال نا محمد بن خالد بن عثمة قال نا موسى بن يعقوب قال نا مهاجر بن مسمار عن عائشة بنت سعد عن أبيها أن رسول الله أخذ بيد علي فقال ( ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ من كنت وليه فإن عليا وليه .

عائشه دختر سعد از پدرش نقل کرده است که رسول خدا صلي الله عليه وآله دست علي عليه السلام را گرفت و فرمود : آیا من از مؤمنين نسبت به خودشان سزاوارتر نيستم ؟ هر کس که من مولاي او هستم ، علي مولاي او است .

البيزار ، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفاي 292 هـ) ، البحر الزخار (مسند البيزار) ج 4 ، ص 41 ، ح 1203 ، تحقيق : د. محفوظ الرحمن زين الله ، ناشر : مؤسسة علوم القرآن ، مكتبة العلوم والحكم - بيروت ، المدينة الطبعة : الأولى ، 1409 هـ .

هيثمي بعد از نقل روايت مي گويد :

رواه البيزار ورجاله ثقات .

ابن روايت را بزار نقل کرده و راويان آن مورد اعتماد هستند .

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، ج 9 ، ص 107 ، اسم المؤلف: علي بن أبي بكر الهيثمي الوفاة: 807 ، ناشر : دار الريان للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة ، بيروت - 1407 .

## 13 . ابن أبي عاصم از امير مؤمنان عليه السلام :

حدثنا سليمان بن عبيد الله الغيلاني ثنا أبو عامر ثنا كثير بن زيد عن محمد بن عمر بن علي عن أبيه عن علي أن النبي صلى الله عليه وسلم قام بحفرة الشجرة بخم وهو أخذ بيد علي فقال أيها الناس ألسنتم تشهدون أن الله ربكم قالوا بلى قال ألسنتم تشهدون أن الله ورسوله أولى بكم من أنفسكم قالوا بلى وإن الله ورسوله مولاكم قالوا بلى قال فمن كنت مولاه فإن هذا مولاه .  
الباني در ذيل حديث مي گويد :

**حسن .**

از علي عليه السلام نقل شده است که رسول خدا صلي الله عليه وآله بر کنده درختي در غدیر خم ايستاده بود ؛ در حالي که دست علي عليه السلام به دست او بود . سپس فرمود : اي مردم ! آیا شهادت مي دهيد که خداوند پروردگار شما است ؟ گفتند : آري ، فرمود : آیا شهادت مي دهيد که خدا و رسول خدا از خود شما بر شما سزاوارترند ؟ گفتند : آري ، فرمود : آیا شهادت مي دهيد که خدا و رسول او سرپرستان شما هستند ، گفتند : آري . فرمود : هرکس من مولاي او هستم ، اين (علي عليه السلام) مولاي او است .

عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني (متوفاي 287 هـ) السنة ، ج 2 ، ص 605 ، ح 1361 ، تحقيق : محمد ناصر الدين الألباني ، ناشر : المكتب الإسلامي - بيروت ، الطبعة : الأولى 1400 هـ .

## 14 . طبراني از زيد بن أرقم :

4986 حدثنا علي بن عبد العزيز ثنا أبو نعيم ثنا كامل أبو العلاء قال سمعت حبيب بن أبي ثابت يحدث عن يحيى بن جعدة عن زيد بن أرقم قال خَرَجْنَا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى انتهينا إلى غدِيرِ حُمٍّ أمرَ يدُوحَ فَكَسِحَ في يَوْمٍ ما أتى عَلَيْنَا يَوْمٌ كان أشدَّ حَرًّا منه فَحَمِدَ الله وَأَثْنَى عليه وقال يا أَيُّهَا الناس إنه لم يُبعثَ نبيٌّ قطُّ إلا عاشَ نصفَ ما عاشَ الذي كان قبلَهُ وَإِنِّي أوشكُ أن أدعى



فَأَجِيبَ وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ كِتَابَ اللَّهِ ثُمَّ قَامَ وَأَخَذَ يَدَ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ .

یحیی بن جعدہ از زید بن ارقم روایت کرده است که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به راه خویش ادامه می‌دادیم تا به غدیر خم رسیدیم . در آن جا درختی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن درخت اشاره کرد و اصحاب زیر آن درخت را تمیز و مرتب ساختند و آن روز به اندازه‌ای هوا گرم بود که ما روز گرم و پر حرارتی را مانند آن روز ندیده بودیم .

در آنجا بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایراد خطابه پرداخت . پس از حمد و ثنای الهی ، خطاب به مردم فرمود : هیچ پیغمبری مبعوث نمی‌شود مگر آنکه نیمی از مقدار زندگی پیغمبر پیشین خود را عهده‌دار می‌شود ؛ طولی نمی‌کشد ، دعوت الهی را اجابت می‌کنم و دو اثر گران بار (یا گرانها) در میان شما به جای می‌گذارم که اگر از خواسته و رویه آنان پیروی نمایید ، هرگز به گمراهی گرفتار نخواهید شد: یکی لثاب خداست و دیگری عترت من است .

سپس دست علی علیه السلام را به دست گرفت و خطاب به مردم گفت : ای مردم ! چه کسی از جان و مال شما ، از خود شما سزاوارتر است ؟ گفتند : خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله دانانتر و اولیتر به جان و مال است آنگاه فرمود :  
«من کنت مولاہ فعلی مولاہ» .

المعجم الكبير ، ج 5 ، ص 171 ، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني الوفاة: 360 ، ناشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983 ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : حمدي بن عبدالمجيد السلفي .

الباني بعد از نقل این روایت می‌گوید :

أخرجه الطبراني ( 4986 ) و رجاله ثقات .

طبراني آن را نقل کرده و روایان آن مورد اعتماد هستند .

الباني ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

## کتاب‌هایی که در باره سند حدیث غدیر نوشته شده :

گسترده‌گی اسناد حدیث غدیر آن چنان بوده است که برخی از دانشوران اهل سنت ، برای جمع آوری تمام آن‌ها مجبور شده‌اند کتاب‌های مستقلی بنویسند که جای هیچ تردیدی را باقی نمی‌گذارد .

### 1 . محمد بن جریر طبری (متوفای 310هـ):

محمد بن جریر طبری از کسانی است که کتاب مستقلی در چهار جلد در باره اسناد این روایت نوشته است ؛ چنانچه ذهبی در باره کتاب او می‌گوید :

جمع طرق حدیث غدیر خم فی أربعة أجزاء رأیت شطره فیه رنی سعة روایاته و حزمت بوقوع ذلك

محمد بن جریر طبری اسناد روایت غدیر خم را در چهار جلد جمع آوری کرده است که من قسمت از آن را دیدم و از گسترده‌گی روایات آن شگفت زده شدم و یقین کردم که این اتفاق افتاده است .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز ، سير أعلام النبلاء ، ج 14 ، ص 277 ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط و محمد نعيم العرقسوسي ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت ، التاسعة ، 1413 هـ .

و در تذكرة الحفاظ در ترجمه محمد بن جرير طبري مي نويسد :

قلت رأيت مجلدا من طرق الحديث لابن جرير **فاندهشت له ولكثرة تلك الطرق** .

من يك جلد از كتاب أسناد حديث غدیر را كه ابن جرير نوشته بود را دیدم و از زياد بودن أسناد

آن گيچ و مبهوت شدم .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز ، تذكرة الحفاظ ج 2 ، ص 710 ، رقم : 728 ، ناشر : دار

الكتب العلمية - بيروت ، الأولى .

و ابن كثير سلفي نیز در البداية والنهاية مي گوید :

وقد رأيت له كتابا جمع فيه أحاديث غدیر خم في مجلدين ضخمين وكتابا جمع فيه طريق حديث

الطير

كتابي از ابن جرير طبري را دیدم كه كه در آن احاديث غدیر خم را گردآوری کرده بود كه دو جلد

ضخيم بود . و نیز طبري كتاب دیگری دارد كه در آن اسناد حديث طير را گردآوری کرده است .

البداية والنهاية ، ج 11 ، ص 147 ، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء الوفاة: 774 ، ناشر :

مكتبة المعارف - بيروت .

## 2 . أبو العباس ابن عقده (333هـ) :

وقد استوعبها بن عقدة في كتاب مفرد وكثير من اسانيدھا صحاح وحسان

ابن عقده روايات غدیر را در كتاب مستقلي جمع آوري کرده است كه بسياري از أسناد آن

صحيح و حسن هستند .

ابن حجر عسقلاني ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي ، فتح الباري شرح صحيح البخاري ، ج 7 ، ص 74

، ناشر : دار المعرفة - بيروت ، تحقيق : محب الدين الخطيب .

و در تهذيب التهذيب مي نويسد :

واعتنى بجمع طرقه أبو العباس بن عقدة فأخرجه من **حديث سبعين صحابيا أو أكثر**.

أبو العباس بن عقده تمام أسناد حديث غدیر را جمع آوري کرده كه در آن روايت پيش از هفتاد

صحابي و يا بیشتر را نقل نموده است .

ابن حجر عسقلاني ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي ، تهذيب التهذيب ، ج 7 ، ص 297 ، ناشر : دار

الفكر - بيروت - 1404 - 1984 ، الطبعة : الأولى .

## 3 . شمس الدين ذهبي (متوفاي 748هـ) :

وي در تذكرة الحفاظ در باره حديث طير و حديث غدیر مي نويسد :

واما حديث الطير فله طرق كثيرة جدا قد افردتها في مصنف ومجموعها هو يوجب ان يكون

الحديث له أصل واما حديث من كنت مولاة فله طرق جيدة وقد أفردت ذلك أيضا .

براي حديث طير أسناد زيادي است كه من آن را در كتاب مستقلي جمع آوري کرده ام ، مجموع

آن ها سبب مي شود كه حديث واقعيته داشته باشد . و اما حديث غدیر نیز أسناد خوبي دارد كه براي

او نیز كتاب مستقلي نوشته ام .

تذكرة الحفاظ ، ج 3 ، ص 1043 ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي الوفاة: 748 ، ناشر : دار

الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة : الأولى .

## نتیجه :

حدیث غدیر نه تنها با سندهای صحیح نقل شده است ؛ بلکه به اعتراف بزرگان اهل سنت متواتر است و حتی کتابهای مستقلی در باره آن توسط علمای سنی نوشته شده است ؛ اما پذیرش و اعتراف به آن نیازمند قلب سلیم ، تقوا و انصاف است که متأسفانه برخی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام ؛ از جمله ابن تیمیه حرانی و ابن حزم اندلسی از داشتن آن محروم بوده‌اند . ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان در باره ابن تیمیه و انصاف آن در نقد احادیث ، می‌نویسد :

لكن وحدته كثير التحامل إلى الغاية في رد الأحاديث التي يوردها بن المطهر وان كان معظم ذلك من الموضوعات والواهيات لكنه رد في رده كثيرا من الأحاديث الجياد التي لم يستحضر حالة التصنيف مظانها .

ابن تیمیه در ردّ احادیثی که علامه حلی به آن استدلال کرده است زیاده روی نموده است تا آنجا که احادیث خوب و معتبر فراوانی را رد کرده است.

لسان المیزان ، ج 6 ، ص 319 ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة: 852 ، ناشر : مؤسسة الأعلمي للطبوعات - بيروت - 1406 - 1986 ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : دائرة المعارف النظامية - الهند .  
و در فتح الباری می‌نویسد :

وأكثر بن تيمية في كتاب الرد على بن المطهر الرافضي المؤاخاة بين المهاجرين وخصوصا مؤاخاة النبي صلى الله عليه وسلم لعلي قال لأن المؤاخاة شرعت لإرفاق بعضهم بعضا ولتأليف قلوب بعضهم على بعض فلا معنى لمؤاخاة النبي لأحد منهم ولا لمؤاخاة مهاجري لمهاجري وهذا رد للنص بالقياس وإغفال عن حكمة المؤاخاة .

ابن تیمیه در کتابش که رد بر علامه حلی است داستان عقد برادری بین مهاجران مخصوصاً بین رسول خدا و علی را انکار کرده و می‌گوید : فلسفه عقد اخوت برای تألیف دلها و ایجاد محبت و دوستی بین دو نفر تشریح شد ؛ ولی بین دو مهاجر و شخص رسول خدا بی معنی است . این حرف‌ها را کسی می‌زند از حکمت این دستور بی خبر است .

فتح الباری شرح صحیح البخاری ، ج 7 ، ص 271 ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة: 852 ، ناشر : دار المعرفة - بيروت ، تحقيق : محب الدين الخطيب .

و البانی وهابی ، هدف خود را از بررسی سند حدیث غدیر ، زیاده روی ابن تیمیه در تضعیف این روایت دانسته و می‌گوید :

فقد كان الدافع لتحرير الكلام على الحديث و بيان صحته ، أنني رأيت شيخ الإسلام بن تيمية ، قد ضعف الشطر الأول من الحديث و أما الشطر الآخر ، فزعم أنه كذب ! و هذا من مبالغته الناتجة في تقديري من تسرعه في تضعيف الأحاديث قبل أن يجمع طرقها و يدقق النظر فيها و الله المستعان .

غرض من از تشریح حدیث غدیر و بیان صحت آن ، تضعیف ابن تیمیه بخش اول (من كنت مولاه فعلي مولاه) و دروغ دانستن بخش دوم (اللهم وال من والاه...) آن است ، این زیاده روی ابن تیمیه و عجله در تضعیف احادیث قبل از مطالعه در اسناد متعدد روایت و دقت نظر در صحت و سقم آن است .  
البانی ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 .

آنچه ما نقل کردیم ، مختصری از اعترافات بزرگان سنی و صحه گذاشتن آنها بر حدیث غدیر بود ، برای اطلاع بیشتر به کتاب الغدیر ، ج 1 ، ص 294 مراجعه بفرمایید . علامه امینی رضوان الله تعالی علیه 43 نفر از دانشمندان سنی را نام می‌برد که تصریح به صحت حدیث غدیر کرده‌اند .

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية علي بن أبي طالب عليه السلام  
والسلام علي من اتبع الهدى